

مصاحبه تلویزیون پرتو با خالد حاج محمدی در مورد کمپین دفاع از کارگران سقز



مصطفی اسد پور :

روز اعتراضات برای آزادی آنها ادامه داشته و وقتی آزاد شدند مسئله دلگامی آنها از جانب جمهوری اسلامی مطرح بود و بلاخره تقریبا یک ماه پیش احکام صادر شده برای ۵ نفر آنها، برهان دیوارگر، محمود صالحی، جلال حسینی، محسن حکیمی و محمد عدی پور از ۲ تا ۵ سال صادر شد. کمپینهای متعددی در جریان بوده است، در اتحادیه های کارگری کوبیده میشود. لگر سائنهایی اینترنتی را باز کنید و هر جا که اعتراضات و مسئله کارگری مطرح بشود لگر بهشان سر بکشید هر کدام لیستی را به شما می دهند که از شما میخواهند امضا کنید، حمایت کنید و کار کنید که اینها آزاد شوند و جمهوری اسلامی دست از سر این کارگران بردارد.

تا نجلایی که به افکار عمومی و اخبار اعتراضی در صحنه سیاسی ایران مربوط میشود کماکان فعالین کارگری روز اول ماه مه سال گذشته سقز خیر ساز هستند. در مورد آنها زیاد گفته میشود و مورد بحث قرار گرفته میشوند. این کارگران به خاطر شرکت در مراسم روز اول ماه مه و جمعی که در مرکز این شهر سقز صورت گرفت دستگیر شدند. از آن



مظفر محمدی

در مورد فقر و فلاکت و خطر و عواقب و عوارض اجتماعی، انسانی و روانی آن، میشود کتابها نوشت، تحقیقات جامعه شناسانه و روانشناسانه کرد. میتوان آمارهای سرسام آور تهیه کرد و به دنیا ارائه داد. میتوان به دنیا نشان داد که فقر و فلاکت و گرسنگی چگونه

خطر فلاکت ! جمهوری اسلامی طاعون این مملکت است!

کثرت مردها به این فقر و فلاکت درننگ دچار گشته است؟ چرا راه در این مملکت سرشار از نفت و دلار و معادن و صنایع و منابع و نعمات، يك خواب و خیال شده است؟ جواب در يك کلام این است که سرمایه داران بزرگ و دولتمردان انگل و مفتخور و نژد و خیل کسانی که در این آشفته بازار جیبشان را پر کرده و میلیارد شده اند و همه اینها که کمتر از 10 درصد جمعیت کشور را تشکیل میدهند، اما تمام درآمدها و منابع و ثروت جامعه را در چنگ و کنترل خود دارند.

صفحه ۳

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری عراق در مورد پروسه به اصطلاح انتخابات

این طریق به سیاستهای ارتجاعی خود محوری و ملیتاریزم آمریکا در عراق مشروعت بدهند. "انتخابات" آینده حلقه ای دیگر از سلسله اقدامات برای از هم گسستن بنیادهای مدنی جامعه و برای تشدید طایفه گری و قومیتی گری است که عاقبت آن ناپیدا میشود. نتیجه این انتخابات برجسته کردن قومگرایی و کهنه پرستی اسلامی است و تلاش برای ابدی کردن این شکافها به مثابه یک پدیده طبیعی در عرصه سیاسی است. بعد از اینکه آمریکا و نیروهای قومی و اسلامی و ملیتینای شیعی قانون سلسی کهنه پرستانه اسلامی و طایفه گری

نمایشی که در اواسط دسامبر قرار است برگزار شود، طبق هیچ معیاری ریجی نمیتوان آنرا پروسه انتخابات نامید. این پروسه تلاشی است برای تقسیم قدرت و ثروت در میان نیروهای اسلامی، قومی و گروههای دست ساز آمریکا است. آنچه که از آن بعنوان انتخابات آتی نامبرده میشود حلقه ای دیگر از سیاستهای آمریکا و احزاب حامیش در اشغال کردن عراق بوده و قصدشان تدلوم اشغالگری تحمیل وضعیت کنونی و مشقات جاری بر مردم است. هدف از این نمایش زیر پا گذاشتن اراده مردم و تحمیل رژیم کهنه پرست قومی و اسلامی بر مردم عراق است. میخواهند از

۱۶ آذر ۸۴ را بخاطر بسپارید!



بهرام مدرسی

قوم و جنسیت و مذهب از یکطرف زندان و از طرف دیگر آزادی زندانی سیاسی، از یکطرف احکام علیه فعالین جنبش کارگری و از طرف دیگر خواست لغو فوری آنها. ۱۶ آذر ۸۴ هم تریبون بود برای اعلام خوسته های مردم و هم قنمی بزرگ در شکست کامل حق ویژه ارگانهای وابسته به رژیم چون انجمن های اسلامی، نه تنها در دانشگاه تهران بلکه در سطح کل دانشگاه های کشور. ۱۶ آذر ۸۴ را باید به همه فعالین رادیکال و چپ اعتراض دانشجویی تبریک گفت. ۱۶ آذر ۸۴ را بخاطر بسپارید!

کشور و تهدید و اراعب، و از طرف دیگر متانت، کاردانی، روشن بینی و قدرت تحرک اعتراض رادیکال و چپ دانشجویی و رهبران آن. از یکطرف بی مایه تر شدن ارگانهای وابسته به رژیم اسلامی در دانشگاه ها از انجمن های اسلامی تا تحکیم وحدت و از طرف دیگر قدرت بسیج و تشکل اعتراض رادیکال و چپ در دانشگاه ها در سازمان دادن مراسمهای مستقل خود. از یکطرف پرچم های قومیت و ضدیت با بشریت و فدرالیسم و از طرف دیگر برافراشته شدن پرچم انسانیت و هویت برابر انسانها با یکدیگر، از یکطرف کرد و فارس و ترک و عرب و از طرف دیگر برابری انسانها مستقل از نژاد و

۱۶ آذر در این سال دستاوردها بزرگی برای اعتراض رادیکال جوانان و دانشجویان در سرتاسر کشور بود. از یکسو تعطیلی بخش بزرگی از شهر تهران به بهانه آلودگی هوا و در واقع به دلیل نرس از رودرو شدن با اعتراض رادیکال جوانان و دانشجویان از طرف رژیم و احضار دانشجویان از طرف اداره حراست و از طرف امنیتی آن در سرتاسر

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید ! به گارد آزادی به پیوندید !

مردم آزادیخواه ، جوانان کردستان !

به گارد آزادی به پیوندید. گارد آزادی نیروی متشکل و مسلح شما برای دفاع از خود در مقابل همه نیروهای ارتجاعی است. گارد آزادی، نیروی دفاع از انسانیت، نیروی دفاع از آزادی انسانها، نیروی دفاع از برابری انسانها، نیروی دفاع از حق برابر زن و مرد، نیروی دفاع از حق کودک، نیروی دفاع از آزادی کامل و بی قید و شرط بیان، نیروی دفاع از آزادی کامل تشکل و اجتماع، نیروی دفاع از دست آورد های فکری و فرهنگی بشریت در مقابل فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده، نیروی دفاع از حق شاد بودن و شاد زیستن انسانها است. گارد آزادی نیروی دفاع در مقابل هر کس و جریانی است که بخواهد بزور خود را به زندگی مردم تحمیل کند.



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

های مردم فراهم شود. اعمال اراده ای که خواسته و آرمایش استقرار دولتی سکولار و غیر قومی است

### حزب کمونیست کارگری عراق 15 نوامبر 2005

خوب این دیگر به کل اوضاع ایران ربط دارد. همینکه ۱۶ آذر در جریان است و چه اتفاقاتی خواهد افتاد و کل اوضاع به کجا خواهد رفت، قطعاً بر دامنه اعتراضات به جمهوری اسلامی و احکام صادره و سر نوشت کارگران سقر هم موثر است.

#### مصطفی اسد پور:

خالد حاج محمدی میگوید اینها کافی نیست. خیلی خلاصه بگویند فکر میکنید چه کار باید کرد؟

#### خالد حاج محمدی

من دفعات قبل هم گفته ام، در مصاحبات و نوشته های مختلف هم گفته ام که مقهور است این حکم دادگاه سقر را لغو کرد ولی زور میخواهد، این که خانواد هایشان اعتراض کرده اند خوب است، این که خودشان کارهایی کرده اند خوب است. ولی باید کارهای بزرگتری کرد که در عین حال ممکن است. مهم است مردم شهر سقر ۴ تا ۵ هزار نفر اعتراض کنند به این حکم. اگر این مردم واقعا یک روز تنها یک ساعت جلوی فرمانداری را بگیرند فضا را عوض می کنند. اینکه ۳، ۴ تا مرکز مهم کارگری در ایران مثل شرکت واحد اقدامی کنند و یک ساعت را اعلام کنند در دفاع از کارگران سقر مهم است، اگر دانشجویان کاری بکنند که فضای عمومی در ایران فوری تاثیرش قرار میگیرد خیلی مهم است. کارگر نفت اگر اولتیماتومی بدهد و اعتراضی کند فوری صداض بقیه کارگران و مردم علیه جمهوری اسلامی بلند میشود و از کارگران سقر دفاع میکنند. صرف سمپاتی داشتن کافی نیست باید کاری و اقدامی کرد.

مردم موظف هستند که در مقابل نیروهای اشغالگر و نیروهایی که خود را به مردم تحمیل کرده اند بایستند. مردم عراق هیچ راهی غیر از محکم کردن صف اعتراضی و مبارزه خود در مقابل اشغالگران و خاتمه داده به وضعیت کنونی ندارند. راه برون رفت از وضعیت کنونی تجمع حول کنگره آزادی عراق و کنگره رفراندوم برای استقلال کردستان است. تنها از این طریق میتوان شرایط مناسب و ممکن برای انتخابات آزاد و روشن برای اعمال اراده توده

ایران است. نامه نوشتن و پیوست نامه های قبلی هم و رو نوشت نامه هایشان هم به طور کلی که به استیضاح رساندیم و این طور که قبلاً هم اعتراضات خومان را مطرح کردیم و این چیز است که در تمام بیاناتها و نامه هایشان دیده می شود و می شود مشاهده کرد.

بر می گردیم به مسئله داخل در مورد داخل هم نکته ای را بگویم که الان نه فقط خود این کارگران بلکه همسران این کارگران با اسم و رسم شناخته می شوند و نامه هایی که نوشته شده در سایت ها و با فرخوان هایی که داده اند حتی من به خاطر می اورم که خواهر و همسر برهان نیوار گر صندوق حمایت مالی را اعلام کرده بودند. در همین رابطه اجازه بدهید که خالد حاج محمدی اطلاعات بیشتری به ما می دهد.

#### خالد حاج محمدی:

همچنان که شما اشاره کردید در داخل هم تحرکاتی در این زمینه بوده است. به همین نسبت که در دنیا مردم آنها را میشناسند، در ایران که دیگر در ایجاد وسیعتر در جریان هستند. بروید شرکت واحد می داند ماجرا چیه، ایران خودرو می داند ماجرا چیه، کارگران مراکز مختلف می داند، دانشگاه می داند. در شهر های کردستان به همین صورت. اما تا جایی که به داخل برگردد کلا بعد از سرکار امن احمدی نژاد و اوضاع در حال حاضر کمی فضا عموماً راکت هستش. این اوضاع روی دامنه کمپین ما در داخل هم تاثیرات خود را داشته است. با تمام اینها، خود این کارگران و خانواده هایشان در معترضند. نامه دادند خود اینها و سخت و سخت روی مواضع خودشان و اینکه جرم ندارند و مراسم اول مه حق آنها است و جرم نیست، ایستاده اند. آنها رسماً اعلام کرده اند که، زندان هم برویم و هر کاری بکنیم، جرمی مرتکب نشده ایم و از حقوق خومان دفاع کرده و کمالان دفاع میکنیم. تاثیرات این هم در داخل و هم در خارج زیاد است و کلا سمپاتی بهشان زیاد است. با تمام اینها هنوز در داخل اقدام جدی نشده.

#### مصطفی اسد پور:

یک نکته را برای بینندگان توضیح بدهم، خالد حاج محمدی یک نکته جالبی اشاره کرد، وقتی زنگ میزنی وقتی تماس گرفته میشود به این اتحادیه ها و این مراکز و سخن گو های شان، بلافاصله میگویند آها باز هم کارگران سقر، فرا چهره برهان نیوارگر و محمود صالحی را به خاطر می یاورند و حتی نامه هایشان را وقتی نگاه می کنیم خطاب به ریاست جمهوری ایران و خطاب به مراکز مختلف قضایی و دولتی

امنیت و آسایش وجود ندارد و تمام آزادیهای سیاسی لپمال شده و میلیتاریسم و اشغالگر کنترل تمام گوشه و زوایای جامعه را در دست دارند. به این ترتیب ما در مقابل نمایشی هستیم که دامنه مضحکه دیگری است که یکی پس از دیگری تحت حاکمیت یک نیروی اشغالگر در شرایط سناریو سپاه پیش میروند. مردم عراق نبایستی هیچ امیدی به سناریو که اسمش انتخابات گذاشته اند ببینند. در عرض

کرده ایم. منظورم این است که منتظر شدن واسه اینکه دادگاه تصمیم بگیرد کار نادرستی است. اگر دادگاه تصمیم نمیگیرد به این دلیل نیست که نمی خواهد تصمیم بگیرد. درست به این دلیل است که اعتراضاتی که به محاکمه آنها در جریان است که مانع اعلام حکم دادگاه شده است. ما کمپین راه انداخته ایم، کارگران و خانواده هایشان به دستگیری و محاکمه آنها اعتراض کرده اند، جریانات مختلف و طیف وسیعی از نهادها و اتحادیه ها در سراسر جهان به جمهوری اسلامی اعتراض کرده اند. این وضع قضایی را ایجاد کرده علیه جمهوری اسلامی که جمهوری اسلامی خیلی راحت نمیتواند حکم بدهد. به همین دلیل ما تلاش میکنیم قبل از اعلام هر حکمی شرایطی را فراهم کنیم که اعلام احکام از طرف دادگاه علیه کارگران راحت نباشد.

#### مصطفی اسد پور:

تا لجایی که به مسئله فعالیتها این کمپین مربوط میشود شما اشاره کردید که اتحادیه های کارگری و خود این فعالین و خانواده ها به جمهوری اسلامی اعتراض کرده اند. تا جایی که به اتحادیه و سازمانهای انسان دوست، و دفاع از حقوق بشر و غیره مربوط است کلا اوضاع در چه حالی پیش می رود و شما آن را چگونه میبینید.

#### خالد حاج محمدی:

ماجرای کارگران سقر خاصیتی دارد و آن اینکه اولین دوره نیست که این اتفاق می افتد. از سال ۲۰۰۰ تا همین الان ما کمپین های مختلفی در رابطه با کارگران سقر پیش برده ایم. خلاصه بگویم از کمپین برای آزادی محمود صالحی تا اول ماه مه و زندانی شدن این کارگران و کمپین برای آزادی آنها تا دستگیری برهان نیوارگر در همین تابستان گذشته و ۴۰ روز زندان و شکنجه و کمپین ما و آزادی ایشان و به دنبال احکامی که علیه این ۵ نفر صادر شده و باز کمپین ما و کمپینهای مختلفی که راه افتاده باعث شده که تمام دنیا اینها را بشناسند. به طور واقعی هم ما و هم جریانات مختلف و خود همین

بمردم عراق تحمیل کردند، پس از مضحکه انتخابات نیمه اکتبر گذشته شکستی بزرگ برای خود ثبت کردند، انتخابات در پیش هم هدفش این است که در دامنه سیاستهای پیشتر، یک چشم بند بزرگتر بر چشم جامعه ببیند. روشن است که "انتخابات" آینده در فضایی آزاد مانند آنچه که در کشورهای دموکراتیک، به هر اندازه ای که فراهم است، پیش نمی میرود. بلکه در سایه وضعیتی پیش می رود که

خالد حاج محمدی به برنامه ما خوش آمدید! آخرین وضع حکم این کارگران و وضعیتشان در چه قرار است؟

#### خالد حاج محمدی:

خود حکمی که دادگاه اعلام کرده به قوت خودش باقی است و وکلای آنها در خواست تجدید نظر کرده اند. به همین دلیل پرونده آنها به دادگاه استان داده شده، در واقع باید آنجا بررسی بشود. فعلاً به دنبال اعلام این احکام به دادگاه مرکزی و درخواست وکلا برای تجدید نظر خبر جدیدی یا مسئله جدیدی رخ نداده. اما کمالان مراجعه به اتحادیه های کارگری و مراجع و نهادهای مدافع انسان در کشورهای مختلف دامنه دارد. در خود ایران هم تلاش برای جلب توجه افکار عمومی و مراجعه به مراکز مختلف کارگری و مردم برای حمایت از کارگران در جریان است. ما تما تلاش خود را بکل خواهیم برد و سعی میکنیم دامنه فشارها به جمهوری اسلامی و در دفاع از کارگران سقر باز هم افزایش یابد.

#### مصطفی اسد پور:

در حکم ۲ تا ۵ سال حکم زندان و تبعید مطرح شده، الان شما گفتید میشود برایشان دادخواهی اعلام کنید چرا معطل نمی شوند و یا شما معطل نشدید که این حکم قطعی شود و بعد شکایت کنند؟

#### خالد حاج محمدی:

میدانید بحث قطعی شدن این حکم و اینکه دادگاه چه حکمی می دهد دادگاه بستگی به زوری دارد که ما معترضین به این احکام داریم. اینجور نیست که ما باید منتظر شویم تا بداییم دادگاه چه میگوید. دادگاه میخواهد آنها را زندان کند، این که معلوم است. اوضاع الان فرق کرده، در چند سال گذشته به همین دلایل هزاران انسان را اعدام کردند طرف را به جرم مخالفت جزئی با قوانین جمهوری اسلامی اعدام کرده اند. همین الان جوانی را در سردشت به اسم کریم فهیمی به جرم سه بار مشروب خوردن حکم اعدام داده اند که ما علیه این حکم نیز کمپینی اعلام

**فعالین کارگری جرمی مرتکب نشده اند، از حق خود دفاع کرده اند. احکام زندانی کردن فعالین کارگری باید بدون قید و شرط لغو گردد. به کمپین دفاع از فعالین کارگری پیوندید!**



**اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است**

**خطر فلاکت ...  
از ص ۱**

به اعتراف خود دزدان، نفت دست مافیا است، صنایع و شرکتها و کارخانجات دست بنیاد مستضعفین و جانبازان و بخش عظیمی از کشاورزی و باغ میوه و پسته و شیلات دست کارتلهای سرمایه داری و آغایان و آغازدها است که درحوزه های علمیه و فرماندهی سپاه پاسداران و مدیریت شرکتها و کارخانه ها و غیره قرار دارند

بقیه 90 درصد شهروندان این مملکت از همه آن داراییها و نعمت محروم اند، تولید کنندگان ثروت و رفاه خود بطور کامل از آن بی بهره اند. خیل عظیمی از شهروندان جوان این جامعه که چند ده میلیون اند، بیکار و بدون درآمد و سرگردان و بدون آینده اند. اینها آن بخش از جامعه اند که با وجودیکه حاضرند کار کنند، اما بیکارند و با درآمد بسیار ناچیز خانواده درس میخوانند و دیپلم ولیسانس میگیرند و سپس به گوشه بازار و جامعه پرت میشوند. آن بخشی از کارگران و کارکنان جامعه که کار دارند از کارگر مزد بگیر تا کارمند و معلم و پرستار و کاسبکار فقیر و دستفروش و غیره، مزد و درآمدی ناچیز و بخور و نمیر دارند. اینها حتی فاصله زیادی با خط فقری دارند که رژیم خود اعلام کرده است. تازه همین ناچیز حقوق و دستمزد را هم هر از گاهی میدهند و گاهها ماهها به تعویق میافتد.

این يك فالجه نسانی است که نصف بیشتر شهروندان يك مملکت که جوانان هستند، فاقد شغل و درآمد و در نتیجه فاقد مسکن و محروم از هر گونه رفاهیات و امکانات زندگی انسانیتند. کارگر مزدی برده سرمایه دار است. اما دهها میلیون جوان بیکار و بی آینده در سیستم سرمایه داری بحران زده و اسلامی در ایران فاقد هرگونه جایگاه اجتماعی و شخصیت و حرمت انسانی اند. این حتی از بزرگی مزدی هم بنتر است. این بزرگترین تحقیر و توهین به بشر است که در جامعه ای زندگی کنی که فاقد هر گونه

انیت جانی و مالی و حرمت انسانی باشی. میلیون میلیون جوان 16 - 17 ساله و تا 25 سال و بالاتر، محتاج سرپناهی مستقل از خانواده پدری است. بیکار و بی پناه و نیازمند رفاه و و زندگی و شادی و عشق و دوست داشتن و دوست داشته شدن است. اما دستش به جایی نمیرسد. در اسارت عقده های ناشی از محرومیتهای اجتماعی و نیازهای طبیعی دست و پا میزند. برای دهها میلیون جوان پسر و دختر این مملکت هنوز رابطه جنسی تابو است. این شرایطی است که شخصیت انسان در آن شکسته میشود. احترام از او گرفته و اعتماد بنفس پلیمال میگردد.

خطر فلاکت ابعاد بسیار وسیعی دارد. عواقب، عوارض و نتایج وخیم این فقر و فلاکت سرسام آور است. در جامعه فقر زده ما و جامعه ای که خطر فلاکت بر بالای سر ساکنانش است، قبل از اینکه مرگ و میر ناشی از گرسنگی شروع شده باشد، پروسه نابودی فیزیکی و روحی انسانهایش و در واقع مرگ تدریجی شروع شده است. این پروسه در ایران يك ربع قرن است که شروع شده است.

به آمارهای خردشان نگاه کنید. میلیونها معتاد، آمار سرسام آور خودکشی و خودسوزی، آمار وحشتناک بیماریهای روحی و افسردگی و نالامیدی، افزایش خشونت علیه زنان و حتی کودکان در میان خانواده ها، افزایش جدایی زن و مرد و بی سرپرست ماندن کودکان، کودکان خیابانی و کار کودکان، گسترش فساد و فحشا و هتک حرمت انسانها در نتیجه کشنده شدن به نوعی از زندگی که خواست خردشان نیست، مهاجرت و فرار، گسترش خرافات و پناه بردن مردم محروم به خرافات و معجزه و اسارت شیوخ و فالگیر و آخوند و مساجد و معابد، سپردن زندگی به دست قضا و قدر و سرانجام حتی بی تفاوتی به زندگی خود و دیگران و بی تفاوتی سیاسی... يك جامعه بیمار، افسرده و بی افق، با ساکنانی که سیستماتیک شخصیتشان پلیمال فقر و فلاکت و سرکوب و خرافات

شده، خواست و اهداف جمهوری اسلامی را تشکیل داده و میدهد. این جانیان برای این اهداف پلیدشان و برای نگه داشتن مردم در فقر و فلاکت و سکوت، علاوه بر سرکوب و تهدید، به کثیف ترین روش تحمیق دست میزنند. سگ گریان به آستان امامانشان میفرستند، از درخت خون بیرون میاورند و از چاه، دستخط امام زمان در میاورند و رییس جمهورشان را در هاله نوری میپینند که هیچکس جز يك مزدور لاقم آن را نمیبیند!

تحمیل چنین جامعه فقر و فلاکت زده بدون چماق سرکوب بر بالای سر مردم و بدون آلوده کردن جامعه به تحمیق و خرافات ممکن نیست.

تحمیل فلاکت به 70 میلیون مردم با سرکوب سیاسی به شیوه قرون وسطایی و شریعت اسلامی، صدها هزار اعدام و زندانهای مملو از انسانهای شکنجه شده و دستگیریه و ترورهای آشکار و مخفی و تعقیب و شکار جوانان و روشنفکران ممکن شده است. مردم را به روزی انداخته اند که مساله اول و اصلیش را غم نان و غم زنده ماندن تا فردا و تا هفته بعد تشکیل میدهد. فقر و فلاکت، مبارزه برای آزادی و حرمت انسانی را کند میکند چرا که این حرمت در پایه ای ترین آن که حق حیات است پایمال شده است.

در شرایط فلاکتناز و در خطر فلاکت زیستن، شلاق خوردن و با به تماشای شلاق زدن کسی لیستان، به تماشای سنگسار رفتن، به اخبار تعقیب و دستگیری و زندان و تبعید و زندانهای طولانی مدت و سلولهای انفرادی و شکنجه عادت کردن، قایل تحمل میشود. مردم فقر و فلاکت زده از کنار هم رد میشوند بدون اینکه لبخندی بر لب داشته و یا پیمانی برای همدیگر داشته باشند. از کنار زنان و کودکان خیابانی میگذرند، از کنار کارگران بیکار و کودکان کار میگذرند. انگار درد که عمومی شد تحملش آسان تر است.

این طاعون عمومی است که همه گیر شده، دامن همه را گرفته و همه را اسیر کرده است. این خطر از تهدید مرگ بر اثر گرسنگی و بی

دارویی و بی بهداشتی و در سرما و گرما تا خطر تدریجی ذره ذره آب شدن و افسرده و بیمار شدن و بی تفاوتی به زندگی خود و دیگران را در بر دارد. برای انداختن مردم به چنین روزگاری برنامه عریض و طویل لازم شده است: بسیج 20 میلیونی لازم شده است تا با خریدن حرمت انسانی به عده انسان محتاج و مفوک و فقر زده و داندن شندرغازی، آنها را در مدارس و محله و کارخانه و دانشگاه به جاسوسی از همکاران و همقطاران و دوستان و همسایه هایشان وادار کرد.

ایدئولوژی کثیف اسلامی لازم شده است تا پشتیبان این فقر و فلاکت و تئوریزه کننده آن باشد. در اسلام فقر تقدیس و رفاه تحقیر میشود. در ایدئولوژی کثیف و ضدانسانی اسلام، مردم را و نیازهایش را حتی نیازهای جنسی اش را به نیای دیگر محول میکنند. در بهشت اسلامی نیای دیگر، همه چیز هست از بهترین غذاها و میوه ها تا سکس آزاد و بدون اجازه آخوند و بدون مهریه و جهیزیه و..

این را به فقر و عده میدهند اما خود در همین نیای "فالنی"، همه نعمات را به علاوه فسق و فجور حیوانیشان دارند. بورژواها و آخوندها و وزرا و وکلای و افسران عالیرتبه پاسدار و بسیج و حزب الله و ارتش، نعمات و لذت های نا محدود را تا خرخره دارند.

**راه حل فلاکت**

فلاکت در ایران راه چاره در خود ندارد. برنامه های اقتصادی دولتی و یا وعده و وعیدشان راه حل نبوده و نیست. جمهوری اسلامی خود بانی این طاعون فقر و فلاکت است. جمهوری اسلامی خود طاعون است. باید مسبب فقر و فلاکت مردم را کنار زد. باید جمهوری اسلامی را انداخت.

تلاشهای فردی و گروهی، زندگی فردی آنها، رقابت برای قاپیدن کار و یا به دست آوردن مدرک هم این شرایط را تغییر نمیدهد. مردم با هر تلاش فردی و حتی گروهی که میکنند و خواهند کرد نمیتوانند این خطر فلاکت را از خود دور کنند. عامل فلاکت را باید از بین برد.

نعمات را باید از چنگشان در آورد. بانکهایشان را باید مصادره کرد. کارخانه ها را باید از آنها گرفت. مسکن و آپارتمانهای سر به فلک کشیده و کاخهای آخوندها را باید تصرف کرد. پولها را باید از آنها پس گرفت و به مردم برگرداند. شیرهای نفت را باید تا تصفیه حساب کامل و برگرداندن همه پولهای آن به خزانه مملکت، بست. نگاه کنید! در این مملکت تا ملت خواهد پول و نان و نعمت و امکانات رفاهی و مسکن هست در مقابل هم میلیون میلیون انسان زن و مرد و کودک در فقر و فلاکت دست و پا میزنند و مرگ تدریجی فیزیکی و روحی را تجربه میکنند. باید به سرچشمه رفاه دست یافت. ابزار و امکانات و نعمات دست شوری و همه را از آنها باز پس گرفت.

باید به بسیجیهای بخت برگشته و کسانیکه غرور و افتخار و شخصیتشان را به شندرغازی فروخته اند گفت بیاید تا همه سهمان را با سربلندی و افتخار از این مفتخوران باز پس بگیریم. گدایی و گدا پروری بس است.

باید به سربران ارتش و پرسنل نیروهای انتظامی گفت چرا پاسبان بانکها و معادن و منابع و گاو صندوقها و کاخهای سرمایه داران و بانکداران و مدیران کارخانه و روسا و وزرا و تیمساهای پاسدار و ارتش شده اید. مگر همینها نیستند که پیران و مادران و برادر و خواهران ما را به این روز انداخته اند؟ دفاع از ثروت و قدرت بورژواها و آخوندها و مبلغین اسلامی خجالت آور است. آماده باشید و به صف ما بپیوندید!

دامه عمر جمهوری اسلامی یعنی تداوم فلاکت. باید این مسبب فقر و فلاکت و بичرمت کردن انسان و محتاج کردن انسانها به نان روزانه را برداشت و يك جامعه، يك زندگی شاد و آزاد و برابر ساخت.

مظفر محمدی -

15 آذر 84 (6 دسامبر 2005)

**محاکمه ۱۱ نفر از دستگیرشدگان اعتراضات مرداد ماه!**

<p>خود برای دومین بار از ۳ روز قبل دست به اعتصاب غذا زده است. طبق اطلاع در این مدت بیشتر اوقات در سلول انفرادی بوده است و شدیداً شکنجه شده است. کمیته سفر حزب حکمتیت ضمن محکوم کردن دستگیری و محاکمه این ۱۱ نفر، خانواده و بستگان آنها و مردم مبارز شهر سقر را به اعتراض علیه وحشیگری جمهوری اسلامی و دلگاه</p>	<p>بدون داشتن حق و کيل به جرم شرکت در اعتراضات مردم در مرداد ماه، محاکمه شدند. قرار است ادامه محاکمات این ۱۱ نفر در روزهای سه شنبه و چهارشنبه همین هفته ادامه داده شود. طبق اخباری که به ما رسیده است مصطفی توفیقی که در کل این مدت به دلیل نداشتن وثیقه در زندان مانده است، در اعتراض به دستگیری و زندانی شدن</p>	<p>اسامی این ۱۱ نفر عبارت است از: ۱. لقمان مهری ۲. هادی حیدری ۳. پیمان مهری ۴. مصطفی توفیقی ۵. لقمان محمدی ۶. عباس رضازاده ۷. فاتح رضازاده ۸. محمد صالح ناصری ۹. هیوا قهرمانی ۱۰. حسن نوری ۱۱. افشین محمدی.</p> <p>این ۱۱ نفر از ساعت ۹ صبح امروز تا ساعت ۲ بعد از ظهر در شعبه یک دلگاه سفر توسط کسی به نام طیاره،</p>	<p>اطلاعیه شماره ۶۷ کمیته سقر حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیت صبح امروز نوشنبه ۲۱ آذر ۱۳۸۴) ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵) ۱۱ نفر از کسانیکه بنیبال اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان در ۱۶ مرداد ۱۳۸۴ دستگیر شده بودند در شعبه یک دلگاه انقلاب اسلامی سقر بدون داشتن وکیل مدافع محاکمه شدند.</p>
---	--	--	---

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

## بیانیه دانشجویان در تجمع روز ۲۰ آذر به مناسبت ۱۶ آذر متن بیانیه تجمع دانشجویان در دانشگاه تهران

واحد و کارهای پلیسی از این دست محکوم است و فررا عملان آن باید مجازات شوند.

۷- احکام دادگاه سقر علیه فعالین کارگری (برهان دیوارگر- محمود صالحی- محسن حکیمی- محمد عبدی و جلال حسینی) محکوم است و خواستار آزادی بی قید و شرط آنان هستیم. این فعالین کارگری تنها برای خواسته‌های بر

حقتان مبارزه کرده اند و جرمی جز برگزاری اول ماه مه ندارند. جنبش دانشجویی حمایت همه جانبه خود را از ایشان اعلام می دارد. ۸- مساله هسته ای بر اثر تبلیغات رسانه ای تبدیل به یک مساله ملی در کشورها شده است. اما ماهیت و سرشت این مساله، پوشش دادن برای سلاحهای هسته ای در درجه اول و دفن زباله های هسته ای در مناطق محروم در درجه دوم است. ما با نظامی گری هسته ای و تخریب زیست محیط با زباله های هسته ای مخالفیم و خواستار جهانی عاری از فعالیت های مخرب هسته ای هستیم.

۹- نقیاد فکری نهاد دانشگاه که متشکل از شکل رابطه استاد و دانشجو، بدهیات علمی، متد تحقیق، شیوه های فردگراییانه پژوهش و تخصصی شده دانش آکادمیک و ... را نمی پذیریم و برای تحول ساختاری آن مبارزه می کنیم

سود آن بنا شده است و فقر، استثمار، فحشا، اعتیاد و ... از پیامدهای آن است. ما از مبارزه طبقه کارگر اعم از کارگران بیکار، کارگران شرکت واحد، نفت، ایران خودرو و کارخانجات

دانشجویانی که محرومیت های متفاوتی را متحمل شده اند، ایشان باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند و به آنها غرامت پرداخت شود. در سال گذشته تا امروز بیش از 300 مورد اتفاق افتاده است.

دیگری همچون فرالیسم، رفرمیسم، تکیه به تفکوت های نژادی، و حمله خارجی راه نجات نیست و چیزی جز بازتولید ارتجاع و استبداد را در پی ندارد. تنها یک آلترناتیو وجود دارد و آن رجوع به

۱۶ آذر روز آزادی و ایستادگی بر برابر استبداد و بی عدالتی است. امروز را با همه توان خود پاس میداریم. ما دانشجویان بعنوان بخشی از مردم ستم کشیده و همراه با تمامی ستم کشندگان نظام سرمایه داری یکصدا، فریاد میزنیم که امکانات و ثروت و زر و نفت باید به صاحبان اصلی آن یعنی به همه مردم باز گردانده شود. ما در 16 آذر همراه با محرومان جامعه برای رفع فلاکت و بحران هم صدا میشویم. روز 16 آذر برای ما دانشجویان، روز رهایی انسان از تمامی تقسیم بندیها و تبعیض های طبقاتی، جنسی و نژادی است و در شرایط اجتماعی ایران دانشجویان منادی خواست آزادی و برابری برای تمام جامعه هستند. این روز نه تنها روز دانشجو بلکه روز تمامی آزادگان است و به نماد آزادی خواهی و برابری طلبی تبدیل گشته است. اکنون اعلام می داریم که این روز برای ما نه روز تقدیر نظام از سرسپردگی دانشجو که روز بزرگداشت آزادی و آزادیخواهی است و هیچگاه زیر پرچم ارتجاع و استبداد سر فرود نمی آوریم. ما جهانی عاری از استثمار طبقاتی، ظلم سیاسی و تبعیض جنسی را خواستاریم، برای آن مبارزه می کنیم و خود را هم سنگر با تمامی انسانهای زحمت کش جامعه، طبقه کارگر جهانی، و آزاده گل می دانیم. و جز این مبارزه هر نسخه سازشکارانه



ISNA/PHOTO:M.GHALE NOEE

۳- آزادی بی قید و شرط تشکلهای کارگری، دانشجویی، و های مستقل، آزادی بیان و NGO عقیده باید به رسمیت شناخته شود و هیچ کس با هیچ بهانه ای حق محدود کردن آن را ندارد. ۴- اپارتاید جنسی و تبعیض علیه زنان محکوم است و رهایی زنان از آلام و مصائب گوناگون خواست تمام جامعه است. ۵- رکن جامعه ما بر پایه سرمایه و

انسان و انسانیت است. پس در همین راستا ما انجام مطالبات خویش را بی هیچ قید و شرطی خواستاریم: ۱- کوتاه شدن دست تمامی نهاد های امنیتی و تضابطی از دانشگاه خواست فوری و بدون قید و شرط ماست. ۲- آزادی همه زندانیان دانشجو، همه نشریات توقیف شده، وبلاگ نویسان دستگیرشده، و همه

نساجی دفاع کرده و دوشادوش آنان برای ساختن جامعه ای که اساس آن انسان و انسانیت و دفاع از معیشت شریف ترین انسانهای این جامعه است تلاش خواهیم نمود. ضمنا از مبارزات تمامی اقشار اعم از معلمان، پرستاران، پزشکان و تمامی زحمت کشان جامعه دفاع می نمایم. ۶- حمله وحشیانه به کردستان، حمله به دفتر سندیکای شرکت

### کارگران نساجی کردستان حقوق ایام اعتصابشان را میخواهند!

امروز سه شنبه 22 اذر ماه بار دیگر کارگران نساجی کردستان در سنج برای پیگیری حقوق ایام اعتصاب و تامین بهداشت محیط کار و کمک درمانی به کارگران بیمار به منظور تجمع در جلو اداره کار از کارخانه دست به راهپیمایی زدند. کارگران در جلو دانشگاه علوم پزشکی توقف کردند. این دانشگاه قبلا و عده داده که کارگران را در مورد بهداشت محیط کار کمک کند، اما به دلیل دخالت نیروهای اطلاعاتی و انتظامی رژیم که مسیر راه پیمایی کارگران را به کنترل خود در آورده بودند تماس کارگران با دانشگاه ممکن نشد. تجمع کارگران با قول و وعده های مسولین بهداشت و فشار پلیسی و نظامی پایان یافت.

کارگران نساجی کردستان مصمم اند که حقوق ایام اعتصاب خود را بطور کامل بگیرند و میخواهند که امنیت محیط کار و سلامتی کارگران تامین و تضمین شود. کارگران نساجی کردستان از حمایت و همراهی کارگران شاهر بر خوردارند. کارگران شاهر و نساجی کردستان برای احقاق حقوقشان سرنوشت مشترکی دارند.

مبارزات کارگران نساجی کردستان و شاهر به حمایت بیدریغ دیگر بخشهای کارگری و مردم سنج نیاز دارند.

کمیته سنج حزب حکمتیست  
22 آذر 84 (13 اسامبر 2005)

تماس با ما:

دبیر کمیته کردستان:

h\_moradbiegi@yahoo.com

Tel:0046762737560

سردبیر:

sharifi\_abdollah@yahoo.com

Tel: 00467365226

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست بپیوندید!